

دکتر دیوید ال. متیوسون، الهیات عهد جدید جلسه ۲۶، نجات، بخش ۱

دیو متیوسون و تد هیلدیرانت © ۲۰۲۴

من دکتر دیو متیوسون هستم در مجموعه سخنرانی‌هایش در مورد الهیات عهد جدید. این جلسه ۲۶ نجات، بخش ۱ است.

کاری که الان می‌خواهم انجام دهم این است که دو جلسه و دو سخنرانی بعدی را به صحبت در مورد موضوع نجات در عهد جدید از دیدگاه کتاب مقدس-الهیات اختصاص دهم. به یک معنا، می‌توانیم به کل داستان کتاب مقدس به عنوان مداخله تاریخی نجات‌بخش خدا در تاریخ برای نجات و رستگاری قومش نگاه کنیم.

اما بنابراین، در یک سطح، هر آنچه که تاکنون در مورد آن صحبت کرده‌ایم می‌تواند تحت چتر وسیع‌تر داستان رستگاری خدا یا نجات خدا، یعنی موضوع نجات، قرار گیرد. بنابراین، برای شروع، کاری که می‌خواهم انجام دهم خلاصه کردن داستان عهد عتیق در مورد نجات خدا است، که به سادگی ویژگی‌هایی را که قبلاً در رابطه با سایر مضامین در مورد آنها صحبت کرده‌ایم، در خود جای می‌دهد. بنابراین، وقتی به داستان عهد عتیق نگاه می‌کنیم، با آدم و حوا به عنوان حاملان تصویر خدا، ناپیان خدا که به عنوان نمایندگان او عمل می‌کنند، آغاز می‌شود و هدف آنها گسترش حکومت خدا و حضور خدا در سراسر خلقت است.

با این حال، دیدیم که آدم و حوا به دلیل گناه در انجام وظیفه شکست خوردند؛ به دلیل عصیان و نافرمانی خود، شکست خوردند و از باغ عدن، محل حضور خدا، تبعید شدند. بنابراین، این سؤال مطرح می‌شود چگونه خدا قصد خود را برای قوم و خلقت خود از پیدایش ۱ و ۲ احیا خواهد کرد؟ و چگونه آن رابطه را احیا خواهد کرد؟ چگونه او بار دیگر با قوم خود ساکن خواهد شد، در میان آنها زندگی خواهد کرد و آنها را به سرزمینشان خواهد آورد؟ پاسخ به این سؤال با انتخاب ابراهیم و قوم اسرائیل توسط خدا به عنوان وسیله‌ای برای انجام کاری که آدم و حوا در انجام آن شکست خوردند، آغاز می‌شود. و بنابراین، ابراهیم و قوم اسرائیل باید برای همه ملت‌ها برکت باشند.

آنها قرار است نوری برای همه ملت‌ها باشند. آنها قرار است به عنوان پادشاهی کاهنان عمل کنند تا واسطه حضور خدا و حکومت خدا باشند و در نهایت آن را در سراسر زمین گسترش دهند تا کاری را انجام دهند که قرار بود آدم و حوا انجام دهند اما در انجام نیت اولیه خدا برای قومش و برای خلقت شکست خوردند اما آنها مانند آدم شکست می‌خورند و اسرائیل نیز از سرزمین و از مکان برکت، از مکان حضور خدا تبعید می‌شود.

بنابراین، یک بار دیگر، با این سوال مواجه می‌شویم که چگونه خدا قرار است اهدافی را که از طریق آدم در نظر داشت و قرار بود از طریق اسرائیل محقق شود، اما آنها نیز در انجام آن شکست خوردند، محقق کند؟ به عبارت دیگر، وقتی به داستان رستگاری فکر می‌کنیم، درک این نکته مهم است که خدا نمی‌تواند نقشه‌های قبلی خود را کنار بگذارد. او نمی‌تواند فقط بگوید، خب، آدم کار نکرد و اسرائیل کار نکرد. بگذارید چیز دیگری را امتحان کنم.

بگذارید نقشه ج را امتحان کنم. در عوض، خدا باید به وعده‌هایش عمل کند، و خدا به وعده‌هایش از طریق آدم و اسرائیل عمل خواهد کرد. بنابراین، خدا، با آوردن نجات به کل زمین، با تحقق بخشیدن به نیتش برای تمام خلقت از طریق آدم و حوا، باید اسرائیل را نیز نجات دهد. او همچنین باید قوم خود اسرائیل، را نجات دهد تا نجات بتواند تا اقصی نقاط زمین گسترش یابد.

اول، خدا باید با اسرائیل برخورد کند و گناهان آنها را ببخشد تا آنگاه نجات بتواند در تحقق وعده‌ها و نیتش از طریق آدم و حوا و برای خلقت اولیه‌اش، تا اقصی نقاط زمین گسترش یابد. و داستان داستان رستگاری عهد عتیق، نجاتی که خدا قصد دارد برای قوم خود به ارمغان بیاورد، خدا با فرستادن عیسی مسیح برای نجات قوم خود از طریق مرگ و رستاخیزش به انجام می‌رساند. بنابراین، مسیح، اول از همه، می‌آید تا اسرائیل را به وسیله خودش تجدید و احیا و رستگاری کند، سرنوشت اسرائیل را مجسم کند و مرگ خود را فراهم کند، قربانی برای گناهان قوم خود را فراهم کند، تا آنگاه برکت بتواند به تمام اقصی نقاط زمین برسد، و سپس برکات نجات می‌تواند به غیریهودیان نیز گسترش یابد.

و باز هم، مسیح این کار را از طریق مرگ و رستاخیز خود انجام می‌دهد و یهودیان و غیریهودیان را از طریق ایمان به عیسی مسیح در قوم حقیقی خدا قرار می‌دهد. او این کار را پیش از اوج نهایی آن، تجلی نهایی آن که در مکاشفه ۲۱ و ۲۲ با تمام بشریت در تحقق نیت اولیه خدا برای خلقت، در تحقق نجاتی که او قصد دارد برای بازگرداندن اسرائیل و سپس شامل کردن غیریهودیان بیاورد، می‌بینیم، انجام می‌دهد. ما قوم خدا را در زمینی تجدید شده در رابطه‌ای عهدی تجدید شده با خدا، یهودیان و غیریهودیان را در خلقتی جدید با زندگی خدا در میان آنها می‌یابیم.

بنابراین کتاب مکاشفه با داستان طولانی، رهایی‌بخش و نجات‌بخش رفتار خدا با قومش به پایان می‌رسد، که اوج و کمال آن در خلقت جدید مکاشفه ۲۱ و ۲۲ یافت می‌شود. بنابراین، در یک سطح، اصطلاح نجات را می‌توان به عنوان یک اصطلاح گسترده، تقریباً یک اصطلاح چتر مانند در نظر گرفت که به رفتارهای رهایی‌بخش-تاریخی خدا با قومش برای نجات آنها از گرفتاری گناه، گرفتاری گناهی که در فصل ۳ پیدایش معرفی شده است، و سپس برای بازگرداندن قومش و بازگرداندن نیت اولیه او برای قومش و خلقتش اشاره دارد. همچنین در این مرحله مهم است که متوجه شویم وقتی از نظر نجات فکر می‌کنیم، وقتی در مورد نجات خدا که او برای قومش به ارمغان می‌آورد صحبت می‌کنیم، وقتی در مورد نجات صحبت می‌کنیم، یک گرفتاری انسانی را در نظر می‌گیریم، چیزی را که آنها از آن نجات یافته‌اند یا نجات یافته‌اند، در نظر می‌گیریم.

یعنی گناهکار بودن انسان را مفروض می‌گیرد. بخشی از استدلال پولس در کتاب رومیان، در فصل‌های ۱ و ۳ با نشان دادن وضعیت اسفناک انسان در گناه آغاز می‌شود. در فصل‌های ۱ تا ۳ رومیان، پولس سعی در اثبات گناهکار بودن انسان ندارد.

هدف او نشان دادن گناهکار بودن انسان‌ها نیست؛ بلکه هدف او این است که نشان دهد خشم خدا موجه است، تا بشریت را محکوم یا محکوم کند، و به دلیل گناهکاری آنها داوری را بر آنها اعلام کند. به همین دلیل است که عدالت خدا ضروری است و اعلام عدالت خدا در فصل ۳ آمده است. اما رومیان فصل ۱ تا محکومیت بشریت را نشان می‌دهد. این نشان می‌دهد که جاری شدن خشم خدا، فصل ۱، آیه ۱۸، به دلیل ۳ گناهکاری انسان موجه است.

و بنابراین، پولس محکوم می‌کند؛ پولس در واقع محکومیت یهودی و غیریهودی را نشان می‌دهد، که با غیریهودیان در فصل ۱ شروع می‌کند و سپس در فصل‌های ۲ و ۳ یهودیان را نیز شامل می‌شود. به طوری که وقتی به انتهای فصل، یعنی اواسط فصل ۳، می‌رسید، تمام بشریت، چه یهودی و چه غیریهودی، در برابر خدا محکوم هستند. بنابراین، پولس کلمات معروفی را می‌گوید که اغلب نقل می‌کنیم: هیچ‌کس عادل نیست، حتی یک نفر، آیه ۲۰. بنابراین، هیچ‌کس با انجام اعمال شریعت در نظر خدا عادل شمرده نمی‌شود؛ بلکه از طریق شریعت، ما از گناهان خود آگاه می‌شویم. پولس چیزهایی مانند آیه ۱۰ می‌گوید، همانطور که نوشته شده است: هیچ‌کس عادل نیست، حتی یک نفر، هیچ‌کس که بفهمد، هیچ‌کس که خدا را بجوید، همه روگردان شده‌اند.

و از طرف دیگر، هیچ کس با انجام اعمال شریعت عادل شمرده نخواهد شد، زیرا تمام بشریت در بند گناه است. و سپس این به یک معنا با آن اشاره معروف در آیه ۲۳ از فصل ۳ رومیان به اوج خود می‌رسد: همه گناه کرده‌اند، یهودی و غیر یهودی، تمام بشریت گناه کرده‌اند و از جلال خدا قاصرند. و بنابراین، این وضعیت تنها با عدالتی که خدا از طریق ایمان به عیسی مسیح فراهم می‌کند، قابل اصلاح است.

بنابراین، بحث در مورد رستگاری، گرفتاری انسان را در نظر می‌گیرد؛ گناهکاری انسان را که انسان‌ها در بند آن هستند و نیاز به نجات یا نجات دارند، در نظر می‌گیرد. بعداً در رومیان فصل ۶، از آیه ۱۵، توجه کنید که چگونه پولس وضعیت بردگی را مقایسه و مقابله می‌کند. او می‌گوید ما زمانی برده گناه بودیم، اگرچه اکنون برده عیسی مسیح هستیم.

او در آیه ۱۲ می‌گوید، پس نگذارید گناه در بدن فانی شما سلطنت کند تا از امیال شیطانی آن اطاعت کنید. این وضعیت پیشین ما بود، گناه در بدن‌های فانی ما سلطنت می‌کرد. ما برده آن بودیم و از آن اطاعت می‌کردیم. آیه ۱۳: هیچ بخشی از خود را به عنوان ابزار شرارت به گناه تسلیم نکنید، بلکه خود را مانند کسانی که از مرگ به زندگی بازگردانده شده‌اند، به خدا تسلیم کنید.

و خود را به عنوان ابزار عدالت تقدیم کنید، زیرا گناه دیگر ارباب شما نخواهد بود، زیرا شما دیگر تحت شریعت نیستید، بلکه تحت فیض هستید. پس، در آیه ۱۶، آیا نمی‌دانید که وقتی خود را به کسی، به بردگان مطیع، تسلیم می‌کنید، بردگان کسی هستید که از او اطاعت می‌کنید؟

چه برده گناه باشید که به مرگ منجر می‌شود، و چه برده اطاعت که پارسایی است، به افسسیان فصل ۲ نگاه می‌کنیم. در افسسیان فصل ۲، در چند آیه اول، پولس وضعیتی را که از آن نجات یافته‌ایم توصیف می‌کند. در مورد شما، شما در نافرمانی‌ها و گناهان خود مرده بودید.

باز هم، احتمالاً، در نهایت منعکس کننده فصل ۳ پیدایش و قسمت‌های بعدی است، جایی که مرگ نتیجه گناه انسان است. بنابراین، شما در گناهان و گناهان خود که قبلاً در آنها زندگی می‌کردید، مرده بودید، زمانی که از راه‌های این دنیا و حاکم پادشاهی هوا پیروی می‌کردید. اکنون روح در کسانی که فرزندان نافرمانی هستند، کار می‌کند.

همه ما زمانی در میان آنها زندگی می‌کردیم، هوس‌های نفسانی را ارضا می‌کردیم و از خواسته‌ها و افکار آن پیروی می‌کردیم. مانند بقیه، ما ذاتاً سزاوار خشم بودیم، یا فرزندان خشم، سزاوار خشم خدا. اما سپس همانطور که متن ادامه می‌یابد، به دلیل عشق و رحمت خود، خدا ما را در مسیح زنده کرد، زمانی که مرده بودیم.

به فیض، شما از طریق ایمان به عیسی مسیح نجات یافته‌اید. و خدا ما را برخیزانید و نشانید. بنابراین، بارها و بارها، عهد جدید وضعیتی از بدبختی و گناه انسانی را فرض می‌کند که باید از آن نجات یابیم.

ما به دلیل گناه، خود را تحت خشم خدا می‌یابیم. سزاوار خشم خدا، داوری است. مجازات و داوری عادلانه او.

و عمل نجات ما توسط خدا در رستگاری، در پاسخ به همین امر است. حال، چیزی که می‌خواهیم در چند جلسه بعدی به آن بپردازیم، این است که می‌خواهیم به آموزه‌های عهد جدید در مورد رستگاری از منظر تعدادی تصویر، تصاویر مختلفی که در واقع از عهد عتیق سرچشمه می‌گیرند و به عنوان تحقق آنها دیده می‌شوند، نگاه کنیم. اما همچنین تصاویری که احتمالاً با زمان و فرهنگ پولس و نویسندگان عهد جدید تطبیق‌انداز می‌شوند، و بسیاری از آنها با آن تطبیق‌انداز می‌شوند.

اما می‌خواهم به تصاویر مختلفی نگاه کنم که به واقعیت نجاتی که اکنون از طریق عیسی مسیح تجربه می‌کنیم اشاره دارند. و تصاویری که مستقیماً از عهد جدید می‌آیند، اما باز هم، تصاویری که با عهد عتیق نیز ارتباط دارند. نکته دیگری که باید به آن توجه کرد این است که همه این تصاویر، که با سایر مضامینی که بررسی کرده‌ایم سازگار هستند، و شما از شنیدن این موضوع خسته خواهید شد، اما به درک بسیاری از آنچه در عهد جدید می‌گذرد کمک می‌کند، این است که همه این تصاویر در آن تنش از قبل-اما-نه-آغاز شده آخرالزمانی سهیم هستند.

یعنی، نجات چیزی است که ما از قبل تجربه می‌کنیم. یعنی، برکات آخرالزمانی نجات که در عهد عتیق وعده داده شده است، که ما از قبل به واسطه کار مسیح، پیش از تجلی نهایی آن برکات نجات، آنها را تجربه می‌کنیم و در آنها مشارکت داریم. کاری که می‌خواهم انجام دهم این است که با موضوع اصلی شروع کنم، و آن موضوع نجات است.

نجات کلمه‌ای است که به سادگی به معنای نجات یا رهایی است، در سطحی بسیار گسترده و کلی، نجات یا رهایی از یک خطر. سپس عهد جدید از این اصطلاح در رابطه با کاری که خدا برای ما انجام داده است یعنی نجات یا رهایی ما از گناه و داوری آینده به دلیل آن گناه، استفاده می‌کند. شاید اگر بتوانیم، نقطه شروعی برای شروع در انجیل‌ها در مورد نجات باشد. واضح‌ترین مرجع، که ما بارها به آن اشاره کرده‌ایم متی فصل ۱ و آیه ۲۱ است که به یوسف گفته می‌شود نام نوزادی را که مریم قرار است به دنیا بیاورد، چه بگذارد.

به او گفته می‌شود که نامش را عیسی بگذارد زیرا او قوم خود را از گناهانشان نجات خواهد داد. احتمالاً در اینجا، اشاره‌ای به نجات اسرائیل از گناهی است که آنها را به تبعید کشانده است. گفتیم که حداقل برخی از نویسندگان عهد جدید و بسیاری از نویسندگان یهودی، اسرائیل را هنوز در تبعید می‌دانستند.

و اکنون عیسی می‌آید، هدف از آمدن او نجات قومش، رهایی آنها و رهایی آنها از گناهانشان که آنها را به تبعید کشانده است، رهایی و رهایی آنهاست. اگرچه در این مرحله، متی به ما نمی‌گوید که این امر چگونه، اتفاق می‌افتد و چه شکلی دارد، اما با ادامه انجیل مشخص می‌شود که عیسی با مرگ خود بر روی صلیب آنها را از گناهانشان نجات خواهد داد. مرگ او بر روی صلیب به مشکل گناه خواهد پرداخت و این وسیله‌ای خواهد بود که عیسی قوم خود، به ویژه اسرائیل، را از گناهان نجات داده و آنها را از وضعیت تبعیدشان نجات خواهد داد.

در انجیل لوقا، می‌بینیم که رایج‌ترین عنوان برای عیسی مسیح، «نجات‌دهنده» است. عیسی مسیح به عنوان نجات‌دهنده جهان به تصویر کشیده شده است. ما عیسی را، به ویژه به عنوان نجات‌دهنده‌ی مطرودین و گناهکاران اجتماعی می‌بینیم.

ما او را می‌بینیم که خراجگیران را نجات می‌دهد. ما او را می‌بینیم که سامری‌ها و جذامیان، یعنی مبتلایان به بیماری جذام را نجات می‌دهد. ما عیسی را می‌بینیم که برای نجات مردم، به ویژه کسانی که از اجتماع طرد شده‌اند و در حاشیه جامعه هستند، تلاش می‌کند.

اما عیسی به عنوان منجی جهان به تصویر کشیده شده است. در واقع، کلمات نجات یا منجی فقط در لوقا یا بیشتر از هر جای دیگری در انجیل لوقا آمده است. برخی حتی لوقا را به عنوان انجیل نجات معرفی می‌کنند.

به نظر می‌رسد رستگاری، شیوه غالب توصیف مسیح است. بارها و بارها، عیسی به عنوان آورنده رستگاری برای قوم خود دیده می‌شود. یک اثر قدیمی‌تر که این موضوع را بسط می‌دهد، کتاب کوچکی نوشته آی. هاوارد مارشال است که لوقا را مورخ و متکلم می‌نامد.

او بارها و بارها موضوع کلیدی نجات را هم در لوقا و هم در اعمال رسولان نشان می‌دهد. بنابراین عیسی نجات‌دهنده جهان است. عیسی کسی است که نجات را برای قوم خود به ارمغان می‌آورد.

این موضوع را می‌توان به وضوح در فصل اول مشاهده کرد. ما قصد نداریم کل انجیل لوقا را بررسی کنیم و به تمام مکان‌هایی که نجات در آنها رخ می‌دهد، نگاهی بیندازیم. در اعمال رسولان نیز این کار را نخواهیم کرد.

اما در لوقا باب ۱، که قبلاً در باب اول آمده است، ما نجات را می‌یابیم. می‌بینیم که خدا اکنون مداخله می‌کند. خدا اکنون برای آوردن نجات به قوم خود وارد عمل می‌شود.

ما این را در سرودهای مختلفی که خوانده می‌شد یا سخنرانی‌های مختلفی که در فصل ۱ انجیل لوقا ایراد شده است، می‌بینیم. برای مثال، در لوقا فصل ۱ و آیه ۴۷، سرود مریم در واکنش به تولد یحیی تعمید دهنده و تولد عیسی است. به خصوص فرزندگی که قرار است به دنیا بیاورد.

مریم در پاسخ به این می‌گوید: «جان من خداوند را ستایش می‌کند و روح من در خدا، نجات‌دهنده‌ام شادمان است.» بنابراین، سرودی که مریم می‌خواند، از همین حالا مضمون اصلی خدا را که اکنون برای نجات و رستگاری قومی اقدام می‌کند، نشان می‌دهد. این را در سرود زکریا نیز بعداً در آیات ۶۷-۶۹ از فصل می‌بینیم. پدرش، زکریا، از روح‌القدس پر شد و نبوت کرد. خداوند، خدای اسرائیل را ستایش کنید، زیرا او ۱ به سوی قوم خود می‌آید و آنها را رستگار می‌کند.

او شاخ نجاتی برای ما در خاندان داوود، بنده‌اش، برافراشته است. جالب اینجاست که اگر در زمینه تولد عیسی به فصل ۲ بروید، متوجه می‌شوید که چگونه نجات دوباره نقش کلیدی ایفا می‌کند. در فصل ۲، آیه وقتی فرشته بر چوپانان ظاهر می‌شود تا تولد عیسی مسیح، مژده تولد مسیح، را اعلام کند، فرشته به ۱۱ آنها می‌گوید، آیه ۱۰، نترسید، من مژده خوبی برای شما آورده‌ام که باعث شادی فراوان برای همه مردم خواهد شد.

امروز، در شهر داوود، نجات‌دهنده‌ای برای شما به دنیا آمده است و او مسیح یا عیسی مسیح خداوند است. بعداً، هنگامی که عیسی برای تقدیم به معبد آورده می‌شود، در آیه ۳۰، مردی به نام شمعون به معبد می‌آید و کودک را می‌بیند. شمعون کودک را در آغوش می‌گیرد و می‌گوید: «ای خداوند متعال، همانطور که وعده دادی، اکنون می‌توانی بندهات را به سلامت مرخص کنی، زیرا چشمان من نجات تو را دیده است.» بنابراین، لوقا در فصل ۱ می‌خواهد روشن کند که از طریق نجات خدا توسط عیسی مسیح، نجات او از نظر برکاتی که اکنون او باید برای قوم خود به ارمغان بیاورد، اکنون در شخص عیسی مسیح وجود دارد و در حال تحقق است.

بدیهی است، همانطور که گفتیم، کتاب اعمال رسولان، که جلد دوم از اثر دو جلدی لوقا است، کتاب اعمال رسولان نیز پر از نجات یا زیان نجات‌دهنده است، اعمال رسولان فصل ۴ و آیه ۱۲. باز هم می‌خواهم چند مثال از نقشی که نجات در اعمال رسولان ایفا می‌کند، برایتان بیاورم، اعمال رسولان فصل ۴ و آیه ۱۲. در ۴:۱۲ می‌خوانیم، نجات در هیچ کس دیگری یافت نمی‌شود، زیرا هیچ نامی در زیر آسمان به بشر داده نشده است که ما باید به وسیله آن نجات یابیم.

برخی حتی می‌گویند که آن آیه به نوعی خلاصه‌ای از آموزه‌های عهد جدید است یا حداقل به عنوان آموزه‌ای در مورد رستگاری عمل می‌کند. از آنجایی که عیسی مسیح در آیه قبلی پروردگار جهان است، مسیح مصلوب قیام کرده است و اکنون رستگاری فقط در شخص عیسی مسیح یافت می‌شود. فصل ۱۵، اعمال رسولان فصل ۱۵ و آیه ۱۱ نیز همینطور.

در اعمال رسولان فصل ۱۵ و در آیه ۱۱، آیه ۱۲ را دوباره می‌خوانم و دوباره می‌خوانم. حال، چرا سعی می‌کنید با گذاشتن یوغی بر گردن غیریهودیان که نه ما و نه اجداد ما قادر به تحمل آن نبوده‌ایم، خدا را آزمایش کنید؟ نه، ما معتقدیم که از طریق فیض خداوندمان عیسی مسیح است که ما نیز مانند آنها نجات یافته‌ایم. بنابراین، اکنون نجات، دوباره خدا از طریق عیسی مسیح با لطف عمل کرده است، نه از طریق حفظ شریعت، بلکه اکنون از طریق عیسی مسیح عمل کرده تا نجات را برای قوم خود به ارمغان بیاورد.

ما چیزی مشابه را در فصل ۱۳ می‌یابیم. فصل ۱۳ و آیه ۳۸، بنابراین، دوستان من، می‌خواهم بدانید که از طریق عیسی، بخشش گناهان به شما اعلام می‌شود. از طریق او، هر که ایمان آورد، از گناه آزاد می‌شود. عادل شمردگی‌ای که شما نمی‌توانید تحت شریعت موسی یا تحت شریعت موسی به دست آورید.

مراقب باشید که آنچه پیامبران گفته‌اند برای شما اتفاق نیفتد. بنابراین، یک بار دیگر، رستگاری و نجات در کار رهایی‌بخش خدا با قومش با آمدن مسیح حاصل می‌شود. رستگاری صرفاً از طریق ایمان به عیسی مسیح حاصل می‌شود، نه از طریق شریعت موسی.

و بارها و بارها، در اعمال رسولان می‌بینیم که این واکنشی از توبه است و ایمان برای رستگاری ضروری است. باز هم، از طریق مرگ و رستاخیز عیسی مسیح است که رستگاری ما در کتاب اعمال رسولان محقق می‌شود. وقتی به نامه‌های پولس می‌رسیم، دوباره می‌بینیم که رستگاری نقش حیاتی دارد، و من به نوعی رستگاری را به عنوان اصطلاح فراگیر در نظر می‌گیرم، اما می‌توانیم آن را به عنوان نوعی موضوع جداگانه نیز در نظر بگیریم.

در نامه‌های پولس، اشارات روشنی به اقدامات خدا در نجات قومش می‌یابیم. برای مثال، در اول تسالونیکیان، می‌بینیم که پولس به نجات خدا اشاره می‌کند. در همان ابتدای کتاب، فصل ۱ در آیه ۱۰، من به عقب برمی‌گردم و بخشی از آیه ۹ را می‌خوانم زیرا این آیه تقریباً در وسط جمله قرار دارد. آنها می‌گویند که چگونه شما پولس را با گزارش آنچه در مورد تسالونیکیان شنیده است، تغییر دادید.

آنها می‌گویند که چگونه شما از بت‌ها به سوی خدا روی آوردید تا خدای زنده و حقیقی را خدمت کنید و منتظر پسر او از آسمان باشید که او را از مردگان برخیزانید، عیسی، که ما را از خشم آینده نجات می‌دهد. و ما چیزی مشابه را در فصل ۵ و آیه ۹ می‌بینیم. زیرا خدا ما را برای رنج بردن از خشم تعیین نکرده است، بلکه برای دریافت نجات از طریق خداوندمان عیسی مسیح. بنابراین در اینجا، نجات به معنای نجات یا رهایی ما از خشم خدا درک می‌شود. این داوری و مجازات عادلانه خداست که ما سزاوار آن هستیم زیرا مردم به دلیل گناهکاری سزاوار آن هستند.

ما زبان مشابهی را در فصل ۵ رومیان می‌یابیم. اگر به رومیان مراجعه کنید، نویسنده در واقع کتاب خود را با اشاره به انجیل آغاز می‌کند و در آن، قدرت خدا برای نجات یافت می‌شود. اما رومیان فصل ۵ و آیات ۹ و ۱۰، یعنی غلاطیان، اجازه دهید به رومیان بپردازم، ۱۰.

رومیان فصل ۵ و آیات ۹ و ۱۰، از آنجایی که ما به خون او عادل شمرده شده‌ایم، که همان چیزی است که پولس در چهار فصل اول استدلال کرده است، ما بر اساس ایمان به عیسی مسیح عادل شمرده شده‌ایم کمی بعد در مورد موضوع عادل شمرده شدن صحبت خواهیم کرد. اما از آنجایی که اکنون به خون او عادل شمرده شده‌ایم، چقدر بیشتر از طریق او از خشم خدا نجات خواهیم یافت؟ زیرا اگر در زمانی که دشمن

خدا بودیم، از طریق مرگ پسرش با خدا آشتی کردیم، چقدر بیشتر، پس از آشتی، از طریق زندگی او نجات خواهیم یافت؟ بنابراین یک بار دیگر، نجات به معنای نجات یا رهایی از خشم خدا، یعنی داوری او، مجازاتی که او بر کسانی که علیه او شورش می‌کنند و گناهکار هستند، خواهد ریخت، دیده می‌شود و اکنون نجات به عنوان نجات از آن داوری آخرالزمان، یعنی ریختن خشم خدا، دیده می‌شود.

این جنبه‌ی هنوز-نایافته‌ی نجات است؛ خدا مردم را از داوری آخرالزمان نجات می‌دهد. با این حال، ما در نامه‌های پولس بُعدی را نیز می‌بینیم که از قبل وجود دارد، اینکه نجات یک پدیده‌ی امروزی نیز هست. برای مثال، در کولسیان فصل ۱ و آیه ۱۳، فکر می‌کنم ما نجات را به عنوان یک واقعیت امروزی می‌بینیم.

کولسیان ۱:۱۳، زیرا او ما را از سلطه تاریکی نجات داده و به پادشاهی پسری که دوستش دارد آورده است که در او رستگاری داریم. یعنی در پسر، عیسی مسیح، ما رستگاری، بخشش گناهان را داریم. بنابراین، اکنون رستگاری، دوباره، خدا ما را از سلطه شیطان، سلطه این عصر حاضر، نجات داده است. او ما را از آن رهایی داده و نجات داده است.

ما قبلاً به افسسیان فصل ۲ نگاه کرده‌ایم، اما به نظر من در افسسیان فصل ۲، نجات نیز یک واقعیت کنونی است. افسسیان فصل ۲ و آیه ۵، اما به واسطه محبت عظیم او، اگرچه ما در گناهان و خطاهای خود مرده بودیم، تحت حاکمیت اقتدار این وارث، و به دلیل گناهکاری خود مستحق خشم بودیم، اما به واسطه محبت و رحمت عظیم او، خدایی که در رحمت غنی است، ما را حتی زمانی که در گناهان خود مرده بودیم، با مسیح زنده کرد، به واسطه فیض است که شما نجات یافته‌اید. یعنی در این زمینه، از مرگ در گناهان و خطاهای خود نجات یافته‌اید، از خشم خدا نجات یافته‌اید.

و آیه ۸، زیرا از راه فیض است که شما از طریق ایمان نجات یافته‌اید. و این از خودتان نیست، بلکه موهبتی از جانب خداست، نه بر اساس اعمال، تا هیچ‌کس نتواند به خود ببالد. و همچنین می‌توانید تیطس ۳:۵ را اضافه کنید، متنی که قبلاً خواندیم.

از همه مهم‌تر، در رومیان، کتاب رومیان با آیه ۱۶ از فصل ۱ آغاز می‌شود. پولس می‌گوید، زیرا من از انجیل شرمند نیستم، زیرا این قدرت خداست که نجات را برای هر کسی که ایمان بیاورد، به ارمغان می‌آورد. بنابراین، در قلب پیام انجیل، پیام اصلی انجیل این است که اکنون خدا برای نجات و رستگاری قوم خود می‌آید. خدا می‌آید تا نجات موعود را برای قوم خود به ارمغان بیاورد.

و این قدرت خداست که قادر به انجام این کار است. بنابراین، نجات، دوباره، یک موضوع غالب در سراسر به ویژه در نوشته‌های پولس است. ایده این است که خدا اکنون آمده است تا وعده‌های نجات، برکات وعده داده شده مرتبط با دوره جدید نجات و وعده موجود در عهد عتیق را برای قوم خود به ارمغان بیاورد.

او آمده است تا آنها را از خشم خدا، از گناه، از قدرت شیطان و قدرت شر رهایی بخشد، و آنها را نجات دهد و برکات بخشش و رستگاری را برایشان به ارمغان بیاورد. به موضوع دیگری که مربوط به رستگاری است، انتخاب قوم خدا می‌پردازیم. خدا قوم خود را به عنوان برگزیده به تصویر می‌کشد.

نویسندگان عهد جدید، قوم خدا را به عنوان برگزیدگان و منتخبان به تصویر می‌کشند. در این مرحله، من علاقه‌ای به ورود به بحث الهیاتی سیستماتیک‌تر بین کالوینیسم و آرمینیانیسم ندارم، اگرچه فکر می‌کنم ارزشمند و مهم است. آیا باید گزینش را بیشتر در چارچوب آرمینیان درک کنیم؟ آیا باید آن را بیشتر در چارچوب اصلاح‌شده یا کالوینیستی درک کنیم؟ اما در عوض، باز هم، چیزی که می‌خواهم به آن توجه کنم این است که چگونه در نامه‌های پولس عمل می‌کند، و اینکه ما آن را می‌یابیم، و ما قبلاً در مورد این موضوع

در رابطه با موضوع قوم خدا صحبت کرده‌ایم، اما در اینجا با زبان انتخاب یا گزینش در عهد عتیق، زبان عهد عتیق را می‌بینیم که اکنون برای قوم خدا در عهد جدید یا قوم جدید خدا به کار می‌رود.

افسسیان فصل ۱ و آیه ۴، در بخشی که پولس از قوم خود می‌خواهد که خدا را به خاطر برکات نجاتی که بر قوم خود ارزانی داشته و از طریق شخص عیسی مسیح به انجام رسانده است، ستایش کنند. افسسیان با آیه ۴ آغاز می‌شود، زیرا خدا ما را پیش از آفرینش جهان در او برگزیده است تا در نظر او مقدس و بی‌عیب باشیم. همچنین در کولسیان فصل ۳، آیه ۱۲ می‌بینیم که به عنوان قوم برگزیده خدا، ما مقدس و بسیار دوست‌داشتنی هستیم.

بنابراین، به نظر من، این عبارت «انتخاب» از عهد عتیق آمده است. این قوم اسرائیل بودند که انتخاب شدند. آنها محبوب خدا بودند.

آنها قوم برگزیده خدا بودند. آنها توسط خدا انتخاب شده بودند تا دارایی او باشند. اکنون، می‌بینیم که این عبارت در مورد قوم خدا که خدا آنها را نجات می‌دهد، به کار می‌رود.

این زبان برگزیده نشان می‌دهد که آنها واقعاً قوم خدا هستند که به ابتکار الهی آفریده و به هستی فراخوانده شده‌اند. بنابراین، این زبان برگزیده در درجه اول برای نشان دادن ابتکار لطف‌آمیز خدا در فراخواندن قومی به سوی خود، در انتخاب یک قوم است. قوم خدا به لطف او برگزیده شده‌اند و نشان می‌دهند که آنها قوم واقعی خدا هستند.

همچنین احتمالاً به وضوح نشان می‌دهد که قوم خدا آشکارا بخشی از نقشه الهی از ازل در انتخاب مردم هستند. باز هم، ما قصد نداریم بیشتر به بحث آرمینی و کالوینیستی خود در مورد چگونگی تدوین و درک آن در رابطه با انتخاب خود یا پیشگویی خدا و غیره پردازیم، بلکه صرفاً می‌خواهیم عملکرد آن زبان را در رابطه با نجات ما، نجاتی که اکنون خدا برای قوم خود به انجام رسانده است، تشخیص دهیم. اما انتخاب یک گزینش نقش کلیدی در نجات قوم خود توسط خدا دارد، در اینکه خدا اکنون ابتکار عمل لطف‌آمیزی را برای فراخواندن قومی به سوی خود، برای به وجود آوردن قومی به دست می‌گیرد.

ویژگی دیگری که نمی‌خواهم زیاد وارد جزئیاتش شوم این است که آیا زبان انتخاباتی برای افراد یا فقط شرکت‌ها کاربرد دارد. به نظر من، احتمالاً هر دوی این‌ها همزمان صدق می‌کند. تصویر دیگر، تصویر بسیار مهم دیگری در توصیف رستگاری ما، زبان بخشش گناهان است.

یکی از وعده‌های عهد جدید در ارمیا فصل ۳۱ و همچنین حزقیال فصل ۳۶، وعده رسیدگی خداوند به گناهان ما و وعده بخشش گناهان است. اجازه دهید ارمیا را بخوانم؛ من فقط متن را می‌خوانم. ارمیا فصل ۳۱ و از آیه ۳۳ شروع می‌شود.

این عهدی است که پس از آن زمان با قوم اسرائیل خواهم بست، خداوند می‌گوید: شریعت خود را در ذهن ایشان خواهم نهاد و آن را بر دل ایشان خواهم نوشت. من خدای ایشان خواهم بود و ایشان قوم من.

دیگر به همسایه خود تعلیم نخواهند داد و به یکدیگر نخواهند گفت که خداوند را بشناسند. سپس به انتهای آیه ۳۴ می‌رسیم، زیرا من شرارت آنها را خواهم بخشید و گناهانشان را دیگر به یاد نخواهم آورد. بنابراین، بخشش گناهان، یعنی خدا، گناهان اسرائیل را که در وهله اول آنها را به تبعید کشاند و داوری خدا را بر آنها نازل کرد، اکنون از طریق عهد جدید بخشیده خواهد شد.

بنابراین، یکی از وعده‌های عهد جدید در عهد عتیق، بخشش گناهان است. اما آنچه که در عهد جدید می‌یابیم، آنچه که با سیستم قربانی عهد عتیق تحت عهد عتیق مرتبط بود، اکنون از طریق مرگ عیسی مسیح بر روی صلیب محقق می‌شود، زیرا از طریق مرگ عیسی است که این عهد جدید که در ارمیا و حزقیال و جاهای دیگر وعده داده شده است، سرانجام آغاز می‌شود. ما این را به وضوح در عبرانیان ۹ و ۱۰ دیده‌ایم و من قصد ندارم به عقب برگردم و بخش‌هایی از آن را بخوانم.

. اما در عبرانیان ۹ و ۱۰، می‌بینیم که عیسی به صراحت از طریق مرگ خود، عهد جدید ارمیا را آغاز می‌کند. نویسنده عبرانیان به تفصیل از ارمیا ۳۱ نقل قول می‌کند. بنابراین اکنون بخشش گناهان با سیستم قربانی عهد عتیق مرتبط نیست، بلکه اکنون سیستم قربانی عهد عتیق، که نمی‌توانست در نهایت و به طور کامل با گناه مقابله کند، به چیزی بزرگتر اشاره داشت و آن قربانی نهایی است که اکنون عیسی مسیح، یعنی خود او، در برخورد با گناهان مردم و تحقق بخشش وعده داده شده گناهان تحت عهد جدید، ارائه می‌دهد.

و بنابراین، به نظر من، به نظر من، در بقیه ادبیات پولس، به ویژه هنگامی که اشاراتی به بخشش گناهان پیدا می‌کنید، فکر می‌کنم نویسنده فرض می‌کند که مرگ عیسی اکنون عهد جدید ارمیا و حزقیال را آغاز کرده است که در آن خدا قول داده بود که به گناهان قوم خود رسیدگی خواهد کرد و اکنون می‌بینیم که این وعده، در مرگ عیسی محقق شده و بخشش گناهان را تحت عهد جدید محقق می‌کند. بنابراین، به عنوان مثال، در افسسیان ۱ و آیه ۶، در واقع افسسیان ۱ و آیه ۷، دوباره در آن فهرست نعمت‌هایی که خدا اکنون نعمت‌های نجاتی که خدا برای قوم خود می‌آورد، آیه ۷، در او، در عیسی مسیح، ما از طریق خون او رستگاری، بخشش گناهان را داریم. و توجه کنید که چگونه بخشش گناهان اکنون با رستگاری همراه است.

ما در مورد این موضوع نیز در فرصتی دیگر صحبت خواهیم کرد. اما رستگاری، بخشش گناهانی که در اینجا در افسسیان ۱:۷ می‌بینیم، با عیسی مسیح مرتبط است، از طریق عیسی مسیح، یعنی مرگ او، حاصل می‌شود، و باید به عنوان تحقق نجات عهد جدید تلقی شود. کولسیان فصل ۱ و آیه ۱۴، که در او، یعنی در مسیح، ما رستگاری، بخشش گناهان را داریم.

دوباره به ارتباط با رستگاری توجه کنید، اما بخشش گناهان چیزی است که از طریق عیسی مسیح حاصل می‌شود. و باز هم، من استدلال می‌کنم که حتی در کولسیان، در نهایت ارتباط با عهد جدید، برکات نجات عهد جدید است که عیسی مسیح به ارمغان می‌آورد. بعداً، در فصل ۲ کولسیان در آیه ۱۳، هنگامی که شما در گناهان خود و در نامختونی جسم خود مرده بودید، خدا شما را با مسیح زنده کرد.

او تمام گناهان شما را بخشید. و در نهایت، رومیان فصل ۳، در رومیان فصل ۳، در آن بخشی که برخی اغلب آن را قلب رومیان می‌دانند، حداقل از نظر موضوعی، شاید بتوانید دلیل خوبی برای آن بیاورید. رومیان فصل ۳ و آیه ۲۵، خدا او را به عنوان قربانی کفاره ارائه داد.

بگذارید کمی جلوتر بروم. زیرا همه گناه کرده‌اند و از جلال خدا قاصرند، و همه به فیض او، به وسیله آن رستگاری که در مسیح عیسی حاصل شد، آزادانه عادل شمرده می‌شوند. سپس خدا او را به عنوان کفاره‌ای از طریق ریختن خورش تقدیم کرد تا از طریق ایمان دریافت شود.

او این کار را برای نشان دادن عدالت خود انجام داد، زیرا در بردباری خود، گناهانی را که قبلاً مرتکب شده بود، بدون مجازات رها کرده بود. بنابراین، زبان صریح بخشش در آنجا وجود ندارد. اما اهمیت این متن در این است که در متن مرگ عیسی مسیح در رومیان ۳:۲۵، به وضوح مرگ عیسی مسیح به عنوان کفاره گناهان آمده است.

آیا این مبنای عمل بخشش مهربانانه‌ی خداوند نسبت به قومش است؟ باز هم، بدون استفاده از کلمه‌ی بخشش، متنی که شاید به بهترین شکل معنای بخشش گناهان ما توسط خداوند را بیان کند، دوم قرن‌تین فصل ۵ و آیه ۱۹ است، جایی که نویسنده می‌گوید خداوند در حال آشتی دادن مردم با خودشان بود، نه اینکه گناهان مردم را به حساب آنها بگذارد. بنابراین، بخشش گناهان به این معنی است که خداوند گناهان آنها را به حساب آنها نمی‌گذارد، بلکه در عوض، آنها را بخشیده است تا وعده‌ی ارمیا و حزقیال مبنی بر آمدن عهد جدید را محقق کند.

بنابراین، بار دیگر، اثرات گناه در فصل سوم پیدایش، با مرگ و رستخیز مسیح که به مسئله گناه می‌پردازد، معکوس شده است. این نه تنها گناه آدم، بلکه گناه اسرائیل نیز هست، بنابراین بخشش گناهان و تحقق عهد جدید اکنون در عیسی مسیح محقق شده و به قوم او نیز گسترش می‌یابد. موضوع بسیار مهم دیگری در ارتباط با آن، و ما قبلاً بخشش گناهان مرتبط با این موضوع را دیده‌ایم، و آن موضوع رستگاری است.

رستگاری یکی از آن تصاویری است که هم پیشینه عهد عتیق و هم پیشینه آن در دنیای یونانی-رومی زمان پولس را دارد، و به عبارت دیگر، از بازار می‌آید. این یک تصویر تجاری است که رستگاری به آزادی‌ای اشاره دارد که با پرداخت بها حاصل می‌شود. و بنابراین، اگرچه برخی این بخش اخیر را که پرداخت بها است، مورد بحث قرار می‌دهند، همانطور که همیشه یا حتی عمدتاً در عهد جدید وجود دارد، به نظر من ارتباط، همانطور که خواهیم دید، ارتباط زبان رستگاری در سراسر عهد جدید با خون، یعنی با خون عیسی مسیح نشان می‌دهد که مسیح، یا مرگ او بر روی صلیب، بهایی است که برای آزادی قومش، یعنی کسانی که با ایمان به عیسی مسیح و انجیل پاسخ می‌دهند، پرداخت می‌شود.

بنابراین، برای مثال، در اول قرن‌تین فصل ۶ آیه ۲۰، اول قرن‌تین ۶ و آیه ۲۰، فکر می‌کنم متنی که می‌خواهم، بخوانیم این است: آیا نمی‌دانید که به عنوان مبنای برای دستور او در آیه ۱۸ مبنی بر فرار از فساد اخلاقی فرار از فساد جنسی، آیه ۱۹، آیا نمی‌دانید که بدن‌های شما در معابد روح القدس است که در شماست، که او را از خدا دریافت کرده‌اید؟ شما از آن خودتان نیستید؛ شما خریداری شده‌اید، یا به قیمتی خریداری شده‌اید. و بنابراین به وضوح در اینجا، پولس در مورد خریداری شدن به قیمتی صحبت می‌کند، اگرچه او در اول قرن‌تین ۶ آیه ۲۰ به ما نمی‌گوید که قیمت چیست. اما فکر می‌کنم در چارچوب بقیه نامه‌های پولس و تأکید بر مرگ مسیح، ارتباط رستگاری در چارچوب خون مسیح، مرگ او، این دشوار است.

دشوار است که فکر نکنیم بهایی که پرداخت می‌شود، مرگ عیسی بر روی صلیب است و خون او بهایی است که ما را رستگار می‌کند یا آزادمان می‌کند. همانطور که گفتم، احتمالاً نقطه شروع، اگرچه این متنی است که در گوش خوانندگان غیریهودی او، خوانندگان غیریهودی پولس، در چارچوب دنیای یونانی-رومی و زبان تجاری و بازار طنین‌انداز می‌شد، اما برجسته‌ترین پیشینه برای این موضوع احتمالاً عهد عتیق و به ویژه خروج است. می‌توانید به عقب برگردید و بحث قبلی ما در مورد موضوع خروج را به یاد بیاورید.

خروج، جایی که اسرائیل از مصر آزاد شد، جایی که آنها از اسارت مصر آزاد و رها شدند، اغلب به عنوان رستگاری آنها شناخته می‌شود. خروج فصل ۱۵ و آیه ۱۱ به دو متن عهد عتیق اشاره دارد که به وضوح از زبان رستگاری در زمینه آزادی یا رهایی اسرائیل از مصر استفاده می‌کنند. فصل ۱۵ در سرود موسی پس از عبور از دریای سرخ، فصل ۱۵ و آیه ۱۱.

بیاید به خروج ۱۵ و آیه ۱۱ نگاه کنیم. بیاید ببینیم، ای خداوند، کدام یک از خدایان مانند توست؟ کیست که مانند تو باشد، با شکوه در قدوسیت، با هیبت در جلال و با قدرت‌های مؤثر؟ بیاید ببینیم این آیه‌ای نیست که من می‌خواهم. بگذارید به عقب برگردم.

ادامه می‌دهم و می‌خوانم. آیه ۱۲، دست راست خود را دراز می‌کنی و زمین دشمنانت را فرو می‌بلعد. با عشق بی‌پایان خود، قوم خود را که نجات داده‌ای، رهبری خواهی کرد.

آیه ۱۲ همان آیه‌ای است که می‌خواستم. مخصوصاً آیات ۱۲ و ۱۳. دست راستت را دراز می‌کنی و زمین دشمنانت، یعنی ارتش مصر، را فرو می‌بلعد.

در عشق بی‌پایانت، مردمی را که نجات داده‌ای، رهبری خواهی کرد. یعنی، آنها را آزاد کرده‌ای. مفهوم نجات، آزادی و رهایی از بندگی است.

خدا این کار را با آزاد کردن قوم خود از مصر انجام داد. خروج ۱۵، آیه ۱۱. همچنین در مزمور فصل ۷۷ به این موضوع اشاره شده است.

ما، به ویژه در مزامیر، و در جاهای دیگر عهد عتیق، اغلب می‌بینیم که خدا یا نویسندگان، اعمال عظیم خدا را به نمایندگی از قومش یادآوری می‌کنند. آنها اغلب خروج را به یاد می‌آورند که در آن خدا قوم خود را از اسارت مصریان نجات می‌دهد: مزمور فصل ۷۷ و آیه ۱۵.

با بازوی قدرتمندت، قوم خود، نوادگان یعقوب و یوسف را رهایی بخشیدی. اصطلاح رستگاری در عهد جدید احتمالاً به رهایی قومش از مصر توسط خدا برمی‌گردد. او آزاد می‌کند، از بندگی نجات می‌دهد، و اکنون قوم خود را آزاد می‌کند.

اکنون در عهد جدید می‌بینیم که این امر از طریق نجات ما در مسیح محقق می‌شود. اکنون ما از بردگی گناه آزاد شده‌ایم. برای مثال انجیل، به مرقس فصل ۱۰، آیه ۴۵ مراجعه کنید.

عیسی می‌گوید، من نیامده‌ام تا خدمت شوم، بلکه آمده‌ام تا خدمت کنم و جان خود را فدای بسیاری کنم. زبان خرید یا بازخرید. غلاطیان، فصل ۱ و آیه ۴. غلاطیان در چندین جا به رستگاری قومش توسط خدا اشاره می‌کند.

استفاده از زبان رستگاری. غلاطیان فصل ۴. در واقع، با غلاطیان فصل ۱ و آیه ۴ شروع می‌کنیم. به آیه ۳ برمی‌گردیم. فیض و آرامش از جانب خدا، پدر ما، و خداوند ما عیسی مسیح بر شما باد، که خود را برای گناهان ما فدا کرد تا ما را از عصر شریر حاضر، طبق اراده خدا و پدرمان، نجات دهد. حال، این ایده نجات ما از اسارت عصر شریر حاضر، زبان نجات، رهایی و رهایی، و همچنین زبان رستگاری است.

اما بعداً در فصل ۳، آیه ۱۳، مسیح ما را نجات داد، آزاد کرد، یا با تبدیل شدن خود به یک نفرین، ما را از لعنت شریعت آزاد کرد. بعداً، در متن خروج، غلاطیان فصل‌های ۴ و ۴ و ۵. اما وقتی زمان کاملاً فرا رسید خدا پسر خود را که از زنی متولد شده بود و تحت شریعت به دنیا آمده بود، فرستاد تا کسانی را که تحت شریعت بودند نجات دهد تا ما بتوانیم فرزندخواندگی را دریافت کنیم. در متن یک خروج جدید، عیسی مسیح اکنون آمده است تا قوم خود را از اسارت، اکنون از اسارت تحت شریعت، نجات دهد.

ما در جای دیگری از افسسیان، فصل ۱ و آیه ۷، به زبان رستگاری برمی‌خوریم. من وقتم را برای خواندن آن یکی تلف نمی‌کنم. کولسیان، فصل ۱ و آیه ۱۴، که هر دوی این آیات، زبان رستگاری هستند، در زمینه بخشش گناهان است. سپس، رومیان، فصل ۳ آیه ۲۴ نیز درباره رستگاری مرتبط با برخورد خدا با گناهان ما صحبت می‌کند.

اما رستگاری بُعدی نه هنوز با خود دارد. ما از قبل رستگار شده‌ایم. یعنی، ما از قبل با پرداخت بهایی که مرگ خود عیسی است، از اسارت گناه و مرگ آزاد شده‌ایم.

اما یک بُعد «هنوز نه» وجود دارد. برای مثال، آن را در کتاب افسسیان می‌یابیم. افسسیان، فصل ۱ و آیه ۱۴.

ما مُهر روح القدس را در آیه ۱۳ دریافت کرده‌ایم. افسسیان ۱:۱۴، چه کسی بیعانه است؟ روح القدس، بیعانه‌ای است که میراث ما را تا زمان رستگاری کسانی که در مالکیت خدا هستند، تضمین می‌کند. بنابراین رستگاری ما، رهایی و آزادی ما از این عصر حاضر، از گناه و مرگ، هنوز به طور کامل و تمام انجام نشده است.

همچنین، افسسیان فصل ۴ و آیه ۳۰ در همین کتاب هستند. روح القدس خدا را که با او برای روز رستگاری مهر شده‌اید، غمگین نکنید. یک مرجع آخرالزمانی دیگر.

و همچنین می‌توانید رومیان ۸ و آیه ۲۳ را نیز به آن اضافه کنید. در متن رومیان فصل ۸ و آیه ۳۳، ظاهراً خود خلقت نیز در انتظار رستگاری است. رومیان ۸:۲۳ می‌گوید: «نه تنها این، بلکه خود ما، تا آیه ۲۲، تمام خود خلقت تا به امروز از درد زایمان ناله می‌کنیم.»

نه تنها این، بلکه خود ما که از اولین ثمرات روح برخورداریم، در درون خود ناله می‌کنیم و مشتاقانه منتظر فرزندخواندگی خود، یعنی رهایی بدن‌هایمان هستیم. بنابراین، باز هم، رهایی جنبه‌ای نه هنوز یا آخرالزمانی دارد. بنابراین، رهایی، یعنی مضمون رستگاری، به رهایی یا آزادی از گناه از این عصر شیطانی کنونی به وسیله مرگ مسیح بر روی صلیب اشاره دارد.

مرگ مسیح بر روی صلیب را می‌توان به عنوان بهایی که پرداخت می‌شود، خون عیسی، مرگ عیسی، بهایی که پرداخت می‌شود و ما را آزاد می‌کند و از اسارت گناه رهایی می‌بخشد، در نظر گرفت. و این در حال حاضر محقق می‌شود. اما این تنها تضمینی برای رستگاری آینده ما نیز هست که شامل بدن‌های فیزیکی ما نیز می‌شود.

حالا، برای رفتن به سراغ موضوع بعدی، برای معرفی موضوع بعدی، یعنی عادل شمردگی یا پارسایی. زبان عادل شمردگی، به ویژه در نامه‌های پولس، و ما تقریباً منحصرأ روی پولس تمرکز خواهیم کرد زیرا او کسی است که عادل شمردگی برایش نقش کلیدی ایفا می‌کند. و حداقل ما زبان عادل شمردگی را به هیچ وجه خارج از نامه‌های پولس پیدا نمی‌کنیم، حتی اگر این مفهوم ممکن است در آنجا وجود داشته باشد.

اما عادل شمردگی کلمه‌ای است به معنای عادل اعلام کردن، تبرئه کردن، و بی‌گناه اعلام کردن. این کلمه‌ای است که از دادگاه‌های قانونی می‌آید. این یک کلمه حقوقی یا اصطلاح پزشکی قانونی است.

و باز هم، توسعه اولیه آن در متون پولس است. برای مثال، آن را در رومیان فصل ۳ و آیه ۳۱ می‌یابیم. ضمناً، رومیان و غلاطیان دو کتابی هستند که در آنها توجیه یا توجیه از طریق ایمان نقش حیاتی ایفا می‌کند.

و در فصل ۳ و آیه ۲۱، اما اکنون جدا از شریعت، عدالت خدا که شریعت و پیامبران به آن شهادت داده‌اند آشکار شده است. این عدالت از طریق ایمان عطا می‌شود. بنابراین، این عبارت عدالت احتمالاً در جای دیگری به توجیه با همان اصطلاحات اشاره دارد.

پولس در جای دیگری از همان اصطلاحاتی استفاده می‌کند که اغلب در ترجمه انگلیسی ما به عنوان «عادل شمردگی» ترجمه می‌شود. بنابراین، در آیه ۲۴ از رومیان ۳، همه گناهان ما از جلال خدا قاصرند و به لطف او آزادانه توجیه می‌شوند. بعداً، در آیه ۲۶، رومیان ۳، او عدالت خود را در زمان حال نشان می‌دهد تا عادل باشد و کسانی را که به عیسی مسیح ایمان دارند، توجیه کند.

و سپس در استدلال پولس در غلاطیان، جایی که زبان توجیه نیز نقش کلیدی در فصل ۲ و آیه ۱۶ ایفا می‌کند. من آیه ۱۵ را می‌خوانم. ما که یهودی زاده هستیم و گناهکار غیریهودی نیستیم، می‌دانیم که شخص با اعمال شریعت توجیه نمی‌شود، بلکه با ایمان به عیسی مسیح توجیه می‌شود.

بنابراین ما نیز به مسیح عیسی ایمان آورده‌ایم تا از طریق ایمان عادل شمرده شویم. بنابراین، آن زبان عادل شمرده شدن از طریق ایمان، باز هم، این زبانی است که، همانطور که امیدوارم نشان دهد، در درجه اول باید به عنوان استفاده از زبان حقوقی یا قانونی برای توصیف کاری که خدا با اعلام عادل بودن قوم خود انجام داده است، درک شود. یعنی با تبرئه کردن آنها و اعلام بی‌گناهی یا تبرئه آنها از گناهانشان.

امروزه بحث بسیار مهمی در مورد معنای زبان توجیه پولس در الهیات عهد جدید وجود داشته است. اغلب این بحث، تقابل بین دیدگاه قدیمی درباره پولس و دیدگاه جدید درباره پولس نامیده می‌شود. دیدگاه قدیمی درباره پولس اساساً توجیه را در درجه اول از نظر حقوقی درک می‌کرد.

این یعنی خدا ما را عادل اعلام می‌کند. خدا یک اصطلاح پزشکی قانونی است که به جایگاه و مقام ما در پیشگاه خدا مربوط می‌شود. این واقعیت که گناهان ما بخشیده شده است.

ما تبرئه شده‌ایم. ما بی‌گناه اعلام شده‌ایم. در حالی که از دیدگاه جدیدتر، ان. تی. رایت و جیمز دان، برخی از شما ممکن است این نام‌ها را بشناسید و توجیه را بیشتر در قالب اعلام اینکه قوم واقعی خدا چه کسانی هستند، ببینید.

در چارچوب عهد، قوم عهد خدا چه کسانی هستند؟ بنابراین، عادل شمردگی بیشتر به اعلام قوم واقعی خدا مربوط می‌شود. ان. تی. رایت فکر می‌کند که هر دو مورد است. پزشکی قانونی، اعلام بی‌گناهی، جایگاه ایستادن در برابر خدا، بی‌گناه بودن از گناه، عادل اعلام شدن، تبرئه شدن، و همچنین اعلام شدن به عنوان عضوی از قوم واقعی خدا.

بنابراین، در بخش بعدی، در سخنرانی بعدی‌مان، می‌خواهم بیشتر در مورد چگونگی درک زبان توجیه پولس صحبت کنم و همچنین نشان دهم که چگونه این زبان به وضوح در چارچوب موجود اما نه هنوز متناسب است و باید در آن درک شود.

من دکتر دیو متیوسون و مجموعه سخنرانی‌های او در مورد الهیات عهد جدید هستم. این جلسه ۲۶، نجات بخش ۱ است.